

به رغم انتشار به از بهها، اعلام بهها و جزوات متعدد انجمن حجة 4 جهت پاسخگویی به اتهامات وارده نسبت به عملکرد آنان در جریان حوادث و وقایع پیش از پیروزی انقلاب و اواصل استقرار نظام باز هم کماکان حملاتی نسبت به آنان از طریق رسانه‌های گروهی و تریبونها و منابر صورت می‌گرفت.

البته با اذعان داشت که این جواب‌ها همچنان که با دشمنان و دشمنان از بار استدلالی مناسب و محکمی برخوردار نبود مضافاً اینکه به هیچ‌یک از اعضای انجمن قائل به اشتباه‌الغرض در طول دوران فعالیت خود نبودند و صرفاً به توجه رفتار خود با ساواک و توضیح نامناسب بودن شرایط سیاسی دوران پیش از پیروزی انقلاب می‌پرداختند. اساساً و اصولاً نیز در مورد رهبری امام به آن شفاف و روشنی نداشتند و گرچه در برخی از مواقع به پیروی از ایشان تأکید می‌کردند اما این مسئله جایگاه ویژه و ممتاز امام را در کنار سایر مراجع تقلید روشن نمی‌ساخت. به همین دلیل این شبهه پاسخگویی از دید منتقدان قانع‌کننده تشخیص داده نشد. در بین دولتمردان نظام جمهوری اسلامی نیز در مورد نحوه برخورد با این جریان فکری وحدت‌رو وجود نداشت. در حالی که افرادی نظیر شهید هاشم نژاد، شهید رجایی و ناطق‌نوری انتقادهای تند و تیزی را علیه حجة 4 ابراز می‌داشتند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد 5327) شخصیتهای مثل ابوالقاسم خزعلی از آنان حمایت و در دیدارهای خود با امام از صلاحیت دینی آنها صحبت کرده و از ایشان می‌خواستند که جلوی موج مخالفت‌ها را که علیه حجة 4 برخاسته بود، بگیرند. (عبور از بحران، خاطرات هاشمی رفسنجانی سال 60، ص 277)

خزعلی در دفاع از انجمن بسیار کوشا بود. او که به عنوان نماینده امام در این تشکل معروف بود و در این حال در شورای نگهبان عضویت داشت، انتقادهای پرامون انجمن حجة 4 را جوسازی و شایعه‌پراکنی می‌دانست. اما جنتی همکار او در شورا در یک مقطع با انجمن رو‌ارو می‌شد. وی در تاریخ 10 آبان 1360 در خطبه‌های نماز جمعه قم با طرح سؤالاتی 7گانه پرامون و لامت‌فقه‌همگامی با نظام جمهوری اسلامی، عملکرد انجمن در سالهای پیش از پیروزی انقلاب و ... آنان به چالش فراخواند. طرح چنین مباحث خود به دامنه اختلافات افزود و باعث اظهارنظرهای متفاوت در این زمینه شد. ضمن این که باعث جوابگویی و انتشار اعلام‌های از سوی انجمن حجة 4 در این خصوص شد ناراضا حتی خاطر برخی از دوستان جنتی را نیز فراهم آورد که البته برخی از آنان در مقام دفاع از انجمن و برخی دیگر از باب مصلحتاندرشی به طرح نظرات خود پرداختند. به عنوان نمونه خزعلی که از مدافعان بود در پاسخ نامه‌کی از هواداران انجمن به نام ارسلان محمدی عنوان کرد: «درباره انجمن این روزها زیاد حرف می‌زنند و بیشتر حرف زادی است. جوسازی است و شایعه‌پراکنی. مدت 28 ماه از جانب امام نظارت داشتیم. یعنی تا 12 ماه رمضان این نظارت بوده. در این انحرافی ندادم بلکه مقداری سستی‌ها بوده که تذکره دادم و برطرف می‌شد. به تازگی هم از مدرسه این حوزه هم کی برای بررسی گماشته شد. نتیجه تحقیقی ایشان هم همین بوده که انحرافی نیست. جواب‌ها هم که در روزنامه به سؤال حجت‌الاسلام آقای جنتی دادند، صاحب‌نظران را راضی کرد. به هر حال به زودی این ابهام برطرف خواهد شد. شایعه ضد و لامت‌فقه‌ها، شایعه‌های برخلاف است. لامت‌فقه‌ها را پیش از قانون اساسی آنها گفتند و پیشهاد کردند که گران پس از قانون اساسی داد گرفتند. به هر حال به زودی از جانب مقامات بالا روشن خواهد شد. نگران نباشید و دستخوش جو و شایعه نشوید. (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد 5327)

علاوه بر او دیگر دوستان و همفکرانش نیز خلی تمایل نداشتند که بحث انجمن حجة 4 به این شکل و صورت باشد مثلاً رفسنجانی از این که طرح این سؤالات به مسئله روز تبدیل شد ابراز ناراضا می‌کرد. از نظر او اعضای انجمن افراد مسلمان و معتقد بودند و گرچه در شمار انقلابیون محسوب نمی‌شدند با این حال نباید مزاحمت برای آنها پیش می‌آمد. (خاطرات هاشمی رفسنجانی سال 60، ص 366) وی با این که در مصاحبه‌های مختلف خود در این سال بر مخالفت انجمن با مبارزه انقلابی تأکید می‌کرد در این حال در شرایط جدید معتقد بود که می‌توانست آنها را تشویق و از توان‌روهاشان استفاده کرد. (مصاحبه‌های هاشمی رفسنجانی سال 60، گفتگو با مجله رجعت، 5/11/60، ص 271 و 272)

او در این حال از آنها می‌خواست که تکلیف خود را با مسئله و لامت‌فقه‌ها روشن کنند و خود را با رهبری امام هماهنگ کنند. با این وصف رفسنجانی نسبت به این که انجمن با توجه به رسوبات فکری گذشته در سطح جامعه به دستهبندی دست‌ازدشدار داد. (مصاحبه هاشمی رفسنجانی سال 60، گفتگو با نشر آندسازان، 16 آذر 1360، ص 2)

انجمن در حوزه علمیه قم نیز طرفدارانی داشت به خصوص در بین اعضای جامعه مدرسین که به هیچ‌یک از انتقادهای شد‌الدین و برخورد‌های چالشی با آنان را نمی‌پندرفتند و حتی نسبت به برخی از این مواجعات نگاهی تردیدآمیز و پر

ظن و گمان داشتند. راستی کاشی از جمله این افراد بود. وی که حکم نما ندگی امام را در سازمان مجاهد بن انقلاب اسلامی داشت در مجموع سخنرازی های خود بن اعضای سازمان بر این نکته تأکید کرد که شوه برخورد انتقادی و قهرآمیز با اعضای انجمن به مصلحت نیست. وی در یکی از نشستها به طور مفصل به این قضیه پرداخت و گفت: اجمالا افرادی که منصوب به انجمن حجة 4 هستند نوعاً افرادی هستند که با مسائل اسلامی آشنا هستند. اعتقادشان صرف نظر از مسائلی که در ارتباط با انقلاب اسلامی است، محکم و خوب است،<sup>12</sup> امامی هستند، امام زمانی هستند، البته اهل تقلید هستند. این جهاتشان شبهه‌های ندارد که جزو افرادی مذهبی و خوب جامعه ما هستند. البته همه شوه در هر جمعی ممکن است چهار - پنج نفر ... یک مقدار در حقیقت افراط و تفریطها داشته باشند. این را در مورد افراد انجمنی می‌توان به شکلی تعبیر کرد. ممتها عمده مسأله‌های که مربوط به آنها است و با یک مقداری در اطرافش توجه کرد و اگر شبهه‌های نقصی است معلوم بشود و ارفع شود اما به هر نحوی که وظیفه است با آنها برخورد شود. سؤال عبارت از این است که تشکلات و اساسنامه و مراننامه و نظامنامه و برنامه انجمن (برنامه تشکلات) چیست؟ این جوی که به تازگی در مقابل انجمنها به وجود آمد منشأ این شد که (البته پیش از این جوهم به یک مناسبتی خدمت امام بعضی از مسائل گفته شده بود) امام فرمودند: من نمایندهای در انجمن ندارم و اینها را تأکید نکرده‌ام. البته این تفرقه هم از جانب امام نبود. که من اینها را طرد نمی‌کنم. مسأله دیگر هم اینکه در مورد وجوه شرعی امام فرمودند: آدم نیست که به اینها اجازه داده باشم اما فعلاً اجازه نمی‌دهم... البته در طول این مدت هم نامه‌هایی می‌آمد که با انجمن همکاری کنیم یا نه؟ امام جواب نمی‌دادند و ساکت بودهایند. ظاهراً در این اواخر قطعاً به این مسأله رسیدیم که گروههای غیرمسلمان هم برای اینکه تعرض کنند انقلاب را احاطا یک تفرقه‌هایی به وجود آوردند... جناب آقای خزعلی هم مقداری با اینها بود و گفته خدمت امام عرض کردم امام فرمودهایند که بمانند و بینند چطور است. به هر حال یک نحوه نظارت (حالا به چه شکلی کار نداریم) از جانب ایشان بوده و ایشان هم که با افراد انجمن ارتباط داشته معتقد است افراد مفیدی هستند، متمدندند... ایشان یک وقتی آمدند در جلسه جامعه مدرسین و گفتند آنها مقلد هستند برای اسلام و انقلاب و برای جلوگری از بعضی از انحرافات و لذا با اینها رانگه داشت و حفظشان کرد.» راستی کاشانی در ادامه این مباحث از تشکله‌های متشکل از اعضای جامعه مدرسین برای رسیدگی به وضعیت انجمن و اندیشیدن راهکاری برای استمرار فعالتهای آنها خبر داد. (رهنمودهای نماینده امام، سازمان مجاهد بن انقلاب اسلامی، 1362، ص 27 تا 33) ه‌ا‌نی که منظور نظر راستی کاشانی بود متشکل از افرادی نظیر امامی کاشان، جنتی، طاهری خرم‌آبادی، منیرالدین حسینی شرازی و خزعلی بود (آرشون مرکز اسناد انقلاب اسلامی کد 5327، اعلامه احمدشکرزاده عضو انجمن حجة 4 خوی)

در جلساتی که با حضور افراد مورد اشاره تشکله‌ها شد، موضوعات مهمی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت و یکی از مصوبات آن کم شدن قدرت اجرا و شوی محمود حلبی بود که این مسأله مورد پذیرش وی قرار گرفت. (رهنمودهای نماینده امام در سازمان مجاهد بن انقلاب اسلامه، ص 32)

در مورد انجمن حجة 4 موضعگیری رسجمهور وقت آتالله خامنه‌ای نیز جالب توجه است. ایشان در مصاحبه با خبرنگار روزنامه «اطلاعات» در اینباره ابراز داشتند: انجمن حجة 4 به آن عده‌های گفته می‌شود که در طول بیست و چند سال همت خود را مصروف می‌کردند برای پاسخگویی و مقابله با شبهات بهائیه‌ها در ایران. البته می‌دانیم که بهائیه‌ها بیشتر یک باند سیاسی بودند تا یک گروه مذهبی و فکری، اما این سؤال که اینها چگونه هستند و اشاره به فرمایشات آقای جنتی، به نظر من این سؤال یک سؤال طبیعی و درستی نیست. من بدون اینکه شما را در طرح این سؤال متهم بکنم، نفس وجود این مسأله را و عمده کردن مسأله انجمن حجة 4 را در جامعه متهم می‌کنم و کسانی را که برای اول بار این شایعه و این بحران مصنوعی را سعی کردند که به وجود آورند ناخالص می‌دانیم. به نظر من در این افراد که در انجمن حجة 4 هستند، عناصری انقلابی، مؤمن، صادق، دلسوز برای انقلاب، مؤمن و به امام و ولایت فقه و در خدمت کشور و جمهوری اسلامی پیدا می‌شوند. همچنانکه افرادی منفی، بدبین، کجفهم، بد اعتقاد و در حال نزندن و اعتراض هم پیدا می‌شود. پس انجمن از نقطه نظر تفکر سیاسی و حرکت انقلابی یک طرف‌وسعی است و یک داده محدود نمی‌باشد. بنابراین ما نمی‌توانیم بگویم که انجمن نوع اول است نوع دوم. زیرا در انجمن هم از نوع اول و هم از نوع دوم کسانی هستند و شاید هم از هر دو نوع کسان زادی وجود دارند و من وقتی که نگاه می‌کنم یک چنین حقیقتی را می‌بینم و از طرف دیگر که نگاه می‌کنم به اینم که سؤال از حال انجمن و اصرار بر رد یا قبول انجمن امروز از سوی گروههایی در جامعه ما دارد اوج می‌گیرد. احساس می‌کنم که این یک حرکت طبیعی نیست و حرکتی است که امروز دارند به وجود آورند. جناب آقای جنتی برادر عزیزمان که بنده برای ایشان احترام زادی قائلم پس از آن خطبه‌های که طی آن راجع به انجمن حجة 4 سؤالاتی کردند یک شب پیش من آمدند و من از ایشان سؤال کردم که چطور شد این مسأله را مطرح کردید، ایشان در حالی که از آنچه که واقع شده بود، خشنود نبودند گفتند حال کاری

است که صورت گرفته چگونه با مدبران کنیم و من به ایشان به شهادت مردم جبرانش به این صورت است که شما در نماز جمعه نسبت به کسانی که میخواهند از بدشان سوءاستفاده کنند و این مسئله را به صورت یک جریان عظیم در آورند و آن را در جامعه عمده بکنند و به صورت تضاد اصلی انجمنی و ضدانجمنی در آورند، شما اخطار بکنید و بگوئید که نظر شما به هیچ وجه این نبوده که تضاد اصلی در جامعه ما تضاد انجمنی و ضدانجمنی است و اگر خود انجمنها در پاسخ سؤالات شما یک حرف قابل قبول و قابل تعریف آوردند، آن را مجدداً در نماز جمعه مطرح بکنید. ایشان قبول داشتند که این مصلحت است و بعد هم انجام گرفت. حالا به شکل کافی اوفی من آن را دقیقاً ندانم اما بدانیم که ایشان از آنچه اتفاق افتاده بود و آنچه فرموده بودند، خشنود نبودند. پس عمل جناب آقای جنتی به معنای این نیست که طرح اینگونه مسائل امروز در جامعه ما یک کار به حق و عمل صالح است و من معتقدم که تضادهای اصلی ما در جامعه اینها نیست. تضاد اصلی ما تضاد انقلاب ضدانقلابهای جهانی و آنگاه ضدانقلابهای داخلی است. (روزنامه اطلاعات، 6/11/60)

به رغم گوشزدها و هشدارها برخی از دولتمردان و کارگزاران نظام مبنی بر حفظ وحدت و یکپارچگی در صفوف جامعه اسلامی باز هم انجمن حجة 4 در عرصه اجتماع و سیاست گرفتار پرسشهای فراوان بود و البته از تمام توان خود برای پاسخگویی استفاده نمیکرد. این تشکل همواره مکوشید که مشروعیت و مقبولیت خود را ثابت کند. از این روزها حضور ابوالقاسم خزعلی به عنوان نماینده امامنهاست استفاده را برد و این مسئله را دلیل بر رضایت امام خمینی از عملکرد اعضای انجمن میدانست. سلوک و منش و شیوههای رفتاری خزعلی نیز مؤید این نظر بود وی در فرصتهای مقتضی از اقدامات انجمن دفاع کند. ادامه این روند و بالا گرفتن موج انتقادات علیه انجمن، سبب شد که امام در نهایت به خزعلی اعلام کردند که دیگر تاملی به حضور وی به عنوان نماینده ایشان در انجمن حجة 4 ندارند و در این حال او مختار است که هر طور که صلاح میداند در مورد نحوه روابطش با آن تشکل رفتار کند. وی در این خصوص اعلام کرد: نظر به سازماندهی و گستردگی انجمن حجة 4، امام به من فرمودند که برای این گروه نظارت کنیم و به ایشان گزارش نمائیم. از ایشان درخواست کردم تا حکم کتبی به من بدهند. ایشان گفتند: نازی به این مسئله نیست. ولی به علت سوءاستفادههای بعضی افراد انجمن آن هم در حد فردی نه خود انجمن، اینگونه برای دیگران مطرح نمیکردند که بودن اینجانب در انجمن دلیل بر تأیید امام بر کل انجمن است. امام هم از 12 رمضان 1360 نظارت را از من گرفتند. (در شناخت حزب قاعد بن زمان، ص 236 و 237)

برخوردهای انتقادی با انجمن حجة 4 در بسیاری از موارد تند و تیز بود. به خصوص در عرصه فرهنگی که باعث انتشار مجموعه کتب و جزواتی علیه انجمن شد. معروفترین اثر فرهنگی در این زمینه کتاب «در شناخت حزب قاعد بن زمان» نوشته عمادالدین باقی بود که ابتدا به صورت پاورقی و سپس به صورت یک کتاب منتشر شد. یکی از ویژگیهای مهم این اثر، انتشار مجموعه اسناد و مدارک ساواک در مورد انجمن بود که برای اولین بار به صورت منسجم منتشر شد. کتاب مورد اشاره که مورد استقبال بسیاری از مخاطبان قرار گرفت برای انجمن ضربه سنگینی بود که باعث طرح سؤالات جدی از آنان در سطح جامعه شد. البته گفتنی است که مؤلف اثر که بعدها در شمار کی از روزنامهنگاران مطرح جریان اصلاحطلب شد، فضای فکری نسبت به انجمن تا حدود زیادی تلافی شد.

از دیگر آثار کتاب «ولایت‌های بولایت» اثر محمدرضا اخگری بود که وی نیز با یک بررسی تاریخی چگونگی پیدایش نحوه اقدامات و عملکرد و مبانی فکری اعضای انجمن را تشریح کرده بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در این زمینه فعال بود و سلسله جزواتی را در این باره منتشر کرد. مطبوعات هم سهمی در این زمینه داشتند. در مجله «امد انقلاب» شماره 43 مقالهای تحت عنوان «تحلیلی بر انجمن حجة 4» نگاشته شده بود که به سرعت نابود شد و مهمترین بحث مطروحه در این مقاله تقسیم‌بندی مبارزه انجمن حجة 4 با بهائیت در سه بعد اقتصادی، سیاسی، اعتقادی و فکری بود. حرف اصلی و اساسی نویسنده این دو سندگان مقاله این بود که به لحاظ ارزشی تنها نکته مهم در مبارزه انجمن حجة 4 با بهائیت در بعد اعتقادی و فکری خلاصه میشود. غرور از این موارد باستی از انتشار جزواتی و پخش اعلامیهها بی‌نام برد که در سراسر کشور توزیع شد. مثلاً مجموعه سه جلدی «ماهیت ضدانقلابی انجمن حجة 4 را بهتر بشناسیم» نمونه‌ای از این موارد است. در این مجموعهها با آراهای برخی از اسناد و مدارک و معرفی بسیاری از چهرهها و انتساب آنها به انجمن حجة 4 تلاش گسترده‌ای برای تضعیف این جریان فکری صورت میگرفت. به خصوص در جزوه سوم که به بررسی و معرفی انجمن حجة 4 اصفهان پرداخته شده بود. نکته مهم در جزوات مورد اشاره تشریح عملکرد انجمن در بخشهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. در مورد انتشاردهندگان این جزوات اخبار ضد و نقیصی در دست است. اما ظن و گمان این است که گروه کشتگر افدا ان اکثریت منتشرکنندگان آن باشند. جزوه «لبرالهای خمنما» نیز

یکی از این نمونهها بود که نو سندگان آن، مبارزه با انجمن حجت 4 را مقابله با بقای سلطنت و شاهنشاهی م دانستند.

انجمنهای اسلامی و دیگر تشکلهای صنفی و سیاسی دیگر منتقدان انجمن حجت 4 را شامل م شدند که هر یک به فراخور موضوعات روز با انتشار اعلامیهها و از ادامه حضور و فعالیت اعضای انجمن با هواداران آن در نهادهای انقلابی انتقاد م کردند. نمونههای فراوانی از این دست را م توان ذکر کرد. انجمن اسلامی مفلحون، انجمن اسلامی شهر حد م، انجمن اسلامی مسجد رضا، برخی از کارکنان جهاد سازندگی شهرستان مرند و انتشار اعلامیهای تحت عنوان «عناصر فرصتطلب را بشناس م» در خصوص انجمن حجت 4 (آرش و مرکز اسناد انقلاب اسلام، م 100 مؤسسه فرهنگی در راه نور)، نامه سرگشاده جمعی از جوانان مسلمان اصفهان و طرح موضوعاتی از قبیل افشای صریح و بپرده عناصر و جرائم ضدانقلابی بالخصوص انجمن حجت 4 و حزب توده، بجز آن کلاهها و کشمرها و نفوذکنندگان در حزب جمهوری اسلامی (همان منبع، همان کد)، انتشار اعلامیهها و از سوی واحد تبلیغات شهید محمد منتظری که قسمت اعظم آن در خصوص عملکرد انجمن حجت 4 بود. اعلامیه برخی از نمایندگان حزباللهی هوادار خط امام خطاب به سیدجلالالدین طاهری اصفهانی در خصوص فعالتهای مؤسسه ابابکر از جمله مؤسسات خدماترسانی وابسته به انجمن حجت 4 (حزبالله شاخه بخش 5 اصفهان و برگزاری سلسله سخنرانیها در نقد عملکرد انجمن در مسجد امام شهرستان اصفهان و صدها نمونه از این دست که همه مبنی بر آشتی ناپذیری بخشی از جریان انقلابی با استمرار فعالیت اعضای انجمن حجت 4 بود. این تنازعات بعضاً به برخورد فیزیکی نیز منتهی گشته اند که نمونه بارز آن درگیری روز 7/3/62 مقابل باشگاه ولعصر (قصر خ) تهران بود. اعضای انجمن در چندین روزی قصد برگزاری مراسم جشنی به مناسبت میلاد حضرت امام زمان (عج) داشتند که این مسأله باعث درگیری بین عدهای از نیروهای مخالف انجمن با اعضای انجمن شد. (آرش و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد 5327) در دیگر شهرستانها نیز درگیریها بین نیروهای موافق و مخالف انجمن رخ داد. مثلاً در اواخر سال 60 در سمنان ولایت فقید در باختران نیز درگیری فراهم آمد. اقدامات مشابهی در اصفهان و بوشهر و به خصوص سبزوار صورت گرفت. در سبزوار به واسطه حضور و اقدامات علوی امام جمعه این شهر که برخی وی را جزو هواداران انجمن حجت 4 و برخی دیگر او را ولایتی م دانند اختلاف نظری بین مردم شهر پیدا آمد و این مسأله به درگیری کشیده شد و در 18 آذرماه 1360 ضرب و جرح عدهای از مردم انجام م. (ولایتها: ولایت، ص 63)

آنچه که پیش از همه به موجودیت انجمن ضربه زد کنارگیری و استعفای برخی از اعضای آن بود. یکی از ویژگیهای مهم و محوری استمرار فعالیت انجمن تبعیت اعضا از قالبهای مشخص اعتقادی و فکری آن بود. این مسأله به خصوص در سالهای پیش از پیروزی انقلاب بیشتر نمود داشت. معنی اشخاصی که تمایل به همکاری و عضویت در انجمن را داشتند طبعاً به قیوداتی م بستند که به اعتقاد زعمای حجت 4 مکه بودن به آن برای استمرار فعالیت انجمن، حائز اهمیت بود. در این مجموعه، شیخ محمود حلبی کاملاً نقش تعیینکننده داشت. از برخی افراد به عنوان قائممقام 1 عضو شماره 2 و 3 و... در تشکلات حجت 4 نام م بردند. اما واقعه قضیه 14 م است که موجودیت انجمن تنها در وجود شیخ محمود حلبی خلاصه م شد و وی نقش محوری داشت. در چندین مجموعههای طبعاً عضویت، الزاماتی را م طلبید. به خصوص اینکه در سالهای پیش از پیروزی انقلاب سران حجت 4 برای ادامه فعالیت، پرداختن به امور فرهنگی و محدود شدن مبارزه صرفاً به جرائم نهایی ضدنی نظری بهائیت و کمونیسم را به اعضای خود تکلیف م کردند. از این روی، حضور برخی از نیروهای جوان و فعال عضو و همدلی و همگامی آنان با نهضت انقلابی مردم ایران با نارضایتی سران انجمن مواجه م شد. این مسأله بعدها برای نیروهای انقلابی عضو انجمن مشکلساز شد و در اواخر رژیم شاهنشاهی، نیز نه جدایی برخی از اعضا را از انجمن فراهم آورد. از جمله این افراد علیاکبر پرورش و طیب بودند که عضویت در انجمن را سالانی چند تجربه کردند و در آستانه انقلاب اسلامی از عضویت در انجمن حجت 4 کنارگیری کردند. آنان پس از پیروزی انقلاب جزو منتقدان انجمن درآمدند. طیب در سلسله مصاحبهای خود با روزنامه «صبح آزادگان» اقدامات مختلف را به روند فعالیت جریان حجت 4 وارد کرد.

پرورش نیز در این خصوص سخنرانیهایی داشت و یکی از سخنرانهای وی توسط داریوش اسفندیاری دئولوژیست لشکر 77 خراسان تنظیم و تکثیر شد. در متن منتشر شده وی به مباحث گوناگون پرداخت و انجمن از جمله برقراری موازنه بین بهائیت و انجمن حجت 4 توسط ساواک پیش از پیروزی انقلاب، گرفتن تعهد برای عدم مداخله در کارهای سیاسی، نقل خاطرهای از خود و رامون ملاقاتش با یکی از مسؤولان ساواک تحت عنوان نادری و اعتراض این مسؤول ساواک به پرورش مبنی بر علت استعفا از انجمن حجت 4 و هم بهطور کلی تعامل فکری انجمن حجت 4 با جریان انقلابی پس از پیروزی نهضت پرداخت. وی معتقد بود که پس از انقلاب انجمن حجت 4 برای اینکه به فعالیت خود تداوم ببخشد بحث ولایت فقید را مطرح کرد اما آن چیزی که تبیین درستی در مورد آن در انجمن حجت 4 صورت نگیرد و توجه افتراق

و اشتراك زعمه ساسی و مذهبی بود. وی در این حالی برخورد تخریبی با انجمن را مورد انتقاد و نسبت به عواقب آن هشدار داد. (آرش و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد 5327)

یکی از مواردی که باعث اعتراض منتقدان انجمن می شود، نفوذ و فعالیت اعضای آن در مراکز و نهادهای انقلابی به خصوص آموزش و پرورش بود.

واقعیت قضیه این است که به رغم بیانات برخی از دولتمردان در مورد استفاده از توان اجرایی و اداری اعضای انجمن امام با این موضوع مخالف بود. ایشان معتقد بودند که افراد مؤثر آنها در مناصب حساس و کلیدی نباشد (خاطرات هاشمی سال 61، پس از بحران، ص 146)

با این همه فعالیت اعضای انجمن در تهران و شهرستانها زیاد بود به خصوص آنکه در بخشهای مختلف کشور هر کدام حوزه نفوذ داشتند.